

چرا ایران مهمترین بازیگر در حل بحران داعش است؟

دکتر مانی محرابی

اندیشکده روابط بین الملل: جنگ سوریه دارای دو جبهه ظاهری دولت‌ها و تروریست‌ها است لیکن دارای بازیگران متعددی که قرار دادانشان در دو جبهه خیر و شر نهایت ساده انگاریست.

یکی از بازیگران اصلی این جنگ در وهله اول داعش به عنوان مهمترین و بزرگترین گروه تروریستی حاضر در سوریه می‌باشد که حضور دیگر گروه‌ها یا به عبارت صحیح‌تر گروهک‌های تروریستی را کاملاً به سایه رانده. بازیگر دوم ایالات متحده تحت لوای ائتلاف جهانیست که با هدف اولیه سرنگونی اسد و تغییر ژئوپلتیک خاورمیانه و مدیترانه و هدف ثانویه سرکوب و تضعیف داعش وارد درگیری‌ها شده و بازیگران بالقوه منطقه‌ای مانند عربستان، ترکیه، اسرائیل و حتی مصر را به حاشیه رانده است.

بازیگر سوم روسیه، حامی استراتژیک اسد است که با اهداف سرکوب و اضمحلال داعش، حفظ یکپارچگی سوریه و ماندن حکومت اسد در راس قدرت و البته حفظ جایگاه‌اش به عنوان یک قدرت جهانی، با اتکا به نیروی هوایی قدرتمندش به یکه تازی در سوریه مشغول است.

اما بازیگر چهارم این پیکار کسی نیست جز ایران. ایران صاحب یکی از قدرتمندترین نیروهای نظامی منطقه خاورمیانه است ولی با این حال ضعف نظامی آن در قیاس با روسیه و ایالات متحده پنهان نیست، از این روی به واسطه استقلال فکری و نظامی هرچند همسو با روسیه، حضور نظامی زمینی در سوریه و پافشاری بر مواضع و اهداف خود یعنی انحلال داعش، جلوگیری از تجزیه سوریه و حمایت از اسد متحد استراتژیک خود در عرصه نظامی و سیاسی، خود را به بازیگری مستقل و قابل اتکا تبدیل کرده.

بعد از ورود جنگ سوریه به سال ششم و با بررسی حضور نیروهای نظامی بین المللی در جریان این جنگ، شاهد آن هستیم که حملات ائتلاف به رهبری ایالات متحده عملاً تاثیر چندانی در مبارزه علیه داعش نداشته و حملات هوایی روسیه نیز با اینکه در بعد نظامی به تضعیف و تغییر استراتژی جنگی داعش منجر شده، لیکن در ابعاد سیاسی و جغرافیای تروریسم در خاورمیانه، تنها موجب پیچیده‌تر شدن اوضاع شده است. ایران نیز با حضور خود به عدم سقوط اسد کمک کرده و به اصطلاح آن را در بازی نگه داشته به نوعی که تصور روی کار ماندن اسد بدون حمایت ایران ناشدنیست.

حال سوال اینجاست که آیا به واقع داعش دارای چنان قدرت نظامی است که نیروهای نظامی این کشورها توان شکست آن را ندارند؟

عدم ائتلاف میان این سه کشور را می‌توان به عنوان مهمترین دلیل این مهم برشمرد. نقطه مشترک اهداف این سه کشور در سوریه، درگیری نظامی با داعش است ولی نوع، شکل و میزان آن به هیچ وجه یکسان نیست، از این روی ایجاد ائتلاف سه جانبه بلند مدت امریست کاملاً بعید و تنها می‌توان انتظار ائتلاف‌های دو جانبه داشت. ائتلاف دو جانبه روسیه و ایالات متحده نیز از درصد احتمال وقوع بیشتری نسبت به ائتلاف سه جانبه برخوردار نیست زیرا از یک سو روسیه در صدد است تا در مقابل حرکات نظامی ایالات متحده در سوریه، به تلافی واکنش‌های ایالات متحده به مسئله کریمه بپردازد و از سوی دیگر هدف کلی ایالات متحده از حضور در سوریه پایان دادن به استیلای روسیه بر سوریه است.

تنها کشوری که حداقل به صورت تئوریک توان ائتلاف با دو قدرت دیگر را داراست، ایران است.

ایران و ایالات متحده بر سر آینده قدرت در سوریه اختلاف فاحشی دارند که ائتلاف احتمالی میان آنها را دچار اختلال می‌کند لیکن این اختلاف غیر قابل حل نیست. توافق بر سر روی کار آمدن یک ژنرال در سوریه که در وهله اول اتحاد با ایران را حفظ کند، در وهله دوم سیاست‌های داخلی سوریه را تغییر داده و اجازه فعالیت گسترده سیاسی به نیروهای مخالف دهد و در وهله سوم دارای گرایش‌های نظامی به روسیه نباشد، و توافق در باب آینده داعش، کلیدهای حل اختلاف ایران و ایالات متحده در سوریه خواهند بود.

ائتلاف ایران و روسیه نیز ناگسستنی نیست. ایران در سوریه دارای سهم نظامی بیشتری نسبت به روسیه بوده و سوریه برای ایران به مراتب منطقه استراتژیک تری نسبت به روسیه است و به راحتی از آن دست نخواهد کشید. در مقابل، روسیه از لحاظ مالی نمی‌تواند از اسد آن طور که باید حمایت کند، از لحاظ نظامی توان درگیری بلند مدت در خاورمیانه را ندارد و در صورت بالاتر بودن هزینه حفظ طرطوس از منفعت آن، ممکن است استراتژی خود در قبال سوریه را تغییر دهد که این موضوع باعث ناخوشنودی ایران از روسیه خواهد شد. از طرفی گشایش روابط میان ایران و غرب علی‌الخصوص ایالات متحده، اتکای ایران به روسیه را کمتر از پیش

خواهد کرد و بخش قابل توجهی از این کاهش اتکا، بی شک متوجه روابط دیپلماتیک تهران و مسکو و به تبع آن استراتژی نظامی ایران در جهت حفظ سوریه خواهد بود.

با این تفاسیر احتمال رنگ باختن ائتلاف میان ایران و روسیه و شکل گیری ائتلاف ایران و ایالات متحده حداقل در تئوری ولو در آینده ای دور، غیر قابل تصور و منتفی نیست.

علی ایحال، تمام این قضایا به پر رنگ تر شدن قدرت سیاسی ایران و نقش حیاتی آن در منطقه ختم خواهد شد، که خود این رخداد شروعیست بر مسائل تاثیرگذار دیگر در خاورمیانه، منجمله تغییر ژئوپلیتیک منطقه.